

مبحث پنجم: الجمع مهما امکن اولی من الطرح/ جمع تبرعی؟ جمع بین ادله با حمل بر قدر متیقن

آشنایان به متون اصولی (و احیاناً، فقه و حدیث) از قدما و متاخرین¹ به عناوینی که اشاره شد (و مرادف‌های آن) زیاد برمی‌خورند؛ و - این برخورد - پرسش‌هایی را ایجاد می‌کند که پرداختن به پاسخ آن‌ها در گرو مفهوم‌شناسی، اقسام‌شناسی، مصداق‌شناسی برای عناوین فوق، موقعیت‌شناسی اصولی و فقهی، اسناد اعتبار و نقدهای وارد بر اسناد و برخی امور پیرامونی است.

البته هدف ما در این مجال، بیشتر پرداختن به قاعده «الجمع مهما امکن...» است لکن دو عنوان بعد هم باید مورد اشاره قرار گیرد تا معلوم شود آیا تفاوتی بین «الجمع مهما امکن» با «جمع تبرعی» هست؟ آیا تعبیر «جمع بین ادله با حمل هر یک بر قدر متیقن» مصداقی از جمع تبرعی و قاعده مهما امکن است یا نهادی است غیر آن دو؟ ضمناً در این مبحث - به دلیل اختصار - از قاعده الجمع مهما امکن...» تعبیر به «قاعده الجمع» می‌کنیم.

مفهوم‌شناسی، اقسام‌شناسی و مصداق‌شناسی² قاعده «الجمع»

متن کفایة الاصول - که محور بحث‌های اصولی ماست - در این پیوند به قرار ذیل است: «... ما قیل من ان الجمع مهما امکن اولی من الطرح لا دلیل علیه فی ما لا یساعد علیه العرف مما کان المجموع او احدهما قرینة عرفیة علی التصرف فی احدهما بعینه او فیهما... مع ان فی الجمع كذلك ایضاً طرحاً للإمارة او الامارتین، ضرورة سقوط اصالة الظهور فی احدهما او کلیهما معه... و قد عرفت ان قضیة التعارض انما هو سقوط المتعارضین فی خصوص کل ما یؤدیان الیه من الحکمین لا بقائهما علی الحجیة بما یتصرف فیهما او فی احدهما... بلا دلیل یساعد علیه من عقل او نقل فلا یبعد ان یکون المراد من امکان الجمع هو امکانه عرفاً و لا ینافیة الحکم بانه اولی مع لزومه حیثیة و تعینة، فان اولویته من قبیل الاولویة فی اولی الارحام و علیه لا اشکال فیہ و لا کلام»³.

مطابق متن فاخر فوق: قاعده، قابل تقسیم به «ما یساعد علیه العرف» و «ما لا یساعده هو» تقسیم می‌شود. معیار مساعدت هم «کان المجموع او احدهما قرینة عرفیة علی التصرف فی احدهما بعینه او فیهما». قهراً جمع مذکور در قاعده، مقابل جمع عرفی نیست، بلکه جمع عرفی مصداقی از مقسم «الجمع» در قاعده است.

1. متونی چون الاستبصار، تهذیب الاحکام، الهدایة فی الاصول و الفروع، کتاب السرائر، مختلف الشیعه، القواعد و الفوائد، مجمع الفائدة و البرهان.

2. قراردادن این تعابیر در کنار هم به دلیل عدم تفکیک بین بحث از این امور در بخشی از متون اصولی است.

3. کفایة الاصول، ج 2، ص 388 و 389.

وی قسم دوم (غیر مساعد) را بدون دلیل و مردود می‌داند و وجه آن را این می‌داند: «ان فی الجمع كذلك طرحا للامارة او الامارتین، ضرورة سقوط اصالة الظهور فی احدهما او کليهما معه... و قد عرفت ان قضية التعارض انما هو سقوط المتعارضین فی خصوص کل ما يؤیدیان الیه من حکمین لا بقائهما علی الحجية بما يتصرف فیهما او فی احدهما... بلا دلیل يساعد علیه من عقل او نقل».

وی بعید نمی‌داند که مراد طرفداران قاعده نیز مورد امکان جمع عرفی باشد؛ به همین دلیل اولویت را در قاعده حمل بر تعیین می‌کند.

شیخ انصاری، قاعده را از قواعد مشهور می‌داند و در بیان گستره قاعده می‌فرماید: «و المراد بالطرح اعم من طرح احدهما لمرجح فی الآخر فیکون الجمع مع التعادل اولی من التخییر و مع وجود المرجح اولی من الترجیح».⁴

در بیان اقسام‌شناسی و مصداق‌شناسی قاعده قصه تعارض دو دلیلی که رابطه عام و خاص من وجه دارند، مطرح است.

محقق طباطبایی صاحب عروة - که بیش از دیگران در اطراف این قاعده صحبت کرده⁵ - فرموده است: «لا فرق فی الجمع و عدمه بین الظاهرین المحتاجین الی تأویلین . علی فرض الجمع و بین الظاهرین المحتاجین الی تأویل احدهما لا بعینه، کالعامین من وجه و کقوله: «اغتسل للجمعة» الظاهر فی الوجوب و قوله: «ینبغی غسل الجمعة» الظاهر فی الاستصحاب»⁶.

در ارتباط با مفهوم‌شناسی واژه‌های به کار رفته در دلیل محقق طباطبایی برای «امکان» پنج احتمال را مطرح می‌کند: امکان عرفی، امکان بشاهد من عقل او نقل، امکان با تأویل بعید بدون شاهد با فرض تعیین تأویل (فقط یک راه)، همان صورت سوم با فرض تعدد تأویل با اقرب بودن یکی از تأویل‌ها، همان صورت چهارم با عدم فرض اقرب بودن یکی از تأویل‌ها بر بقیه.

وی محل بحث و گفتگو را سه صورت اخیر و دو مورد اول را بدون اشکال و نزاع می‌داند.⁷ (و خارج از قاعده با ارتکاز معروفی که از آن است).

4 . فرائد الاصول، ج4، ص19.

5 . کتاب التعارض، صص 113-178.

6 . همان، ص 170.

7 . همان، صص 121-122.